

فوتبال

پر شور مثل زندگی

پیچیده مثل سرنوشت

دوشنبه شب، دنیای فوتبال یک شب به یادماندنی را تجربه کرد؛ زمانی

که فوتبال بیش از هر وقتی شبیه زندگی بود، پر از هیجان

غافلگیری و درس های مهم



اسپانیا و کرواسی، فرانسه و سوئیس. دو مسابقه ای که دنیای فوتبال را تکان داد، لبریز از هیجان، پر از تکیو، سرشار از اتفاق های جالب و درس های مهم. فوتبال مثل زندگی است چون آدم های زیادی درگیرش هستند، مثل زندگی است چون در یک لحظه از عرش به فرش می رسی و تمام برنامه هایت خراب می شود و مثل زندگی است چون با تکیو و تلاش می توانی از فرش به عرش برسی و ناگامی را تبدیل به موفقیت کنی. فوتبال مثل زندگی است چون قهرمان و ضدقهرمان دارد؛ و حتی گاهی جذاب تر از زندگی روزمره است، مثل فیلم های پیچیده جنایی جایی که در یک لحظه قهرمان به ضدقهرمان تبدیل می شود، مرز افتخار و ناگامی، مرز محبوبیت و تنفر و مرز شادی و غم در فوتبال خیلی خیلی باریک است؛ در یک لحظه از قهرمان یک کشور تبدیل می شوی به کسی که یک ملت را در بهت فرو برده ای. مثل کاری که آن یغل با آمپا به کوه استعداد فرانسوی ها کرد. یک یغل پای ساده که دروازه بان سوئیس راحت آن را مهار کرد تا آمپا پهای که دشام سرمربی خروس ها حتی در خواب هم خیال تعویض کردنش را نداشت تمام رویاهای قهرمانی جام جهانی و پرستاره ترین تیم جام را بر باد بدهد. بارها گفتیم فوتبال عین زندگی است چون برای نسل ها، برای طبقات مختلف اجتماعی و برای اقشار مختلف اقتصادی در یک سطح هیجان ایجاد می کند. مردوزن، دختر و پسر، پولدار و فقیر، روشن فکر و آدمی معمولی از کف جامعه، همه در برابر جادوی فوتبال به یک اندازه تسخیر می شوند. فوتبال شعیده بازی است که حقه هایش را می دانیم اما پیش بینی نمی کنیم چوقتی ما را غافل گیر می کند برای همین با هر شعیده اش به اندازه دفعات قبل غافل گیر می شویم. فوتبال نه جت اسکی است که فقط عده ای آن را تجربه کنند؛ نه رمان فلسفی است که فقط عده کمی آن را بفهمند، نه موسیقی سنتی است که فقط پدر بزرگ ها حوصله اش را داشته باشند، هر کس بخواهد سهم مشخصی از فوتبال دارد در دست به اندازه شور زندگی، به اندازه امید در زندگی و به اندازه تمام رویاهایی که یک نفر می تواند با فوتبال در آن سهمیه باشد یا به وسعت تمام غصه هایی که بعد از هر باخت سهم هواداران می شود. فوتبال عادلانه ترین سرگرمی روزگار ماست که جلوه شگفت انگیزش را دوشنبه شب در دو مسابقه فوتبال جادویی دیدیم. در این پرونده از ارتباط فوتبال و زندگی می گویم. از این که چرا باید از فوتبال درس بگیریم و چگونه؟ یا ما باشد.

آنچه در شب شگفت انگیز

فوتبال گذشت

اسپانیا از شروع جام تیم نا امید کننده ای بود، تیمی که صلابت قبل را نداشت و در بازی با کرواسی یک گل به خودی بی نهایت عجیب هم دریافت کرد؛ اتفاقی که هر تیمی را از درون دچار شکست می کند؛ اما اسپانیا به بازی برگشت سه گل دومطمئن از پیروزی در انتظار سوت پایان بود؛ اما این بار تیمی که خیال حذف شدن نداشت کرواسی بود که بازی ۳ بر یک باخته را در حدود ۵ دقیقه ۳ بر ۳ کرد. این بازگشت فوق العاده می توانست تمرکز قیب را بر هم بزند اما در کمال تعجب اسپانیا در وقت اضافه ۳ بر ۳ برنده شد.



سوت آغاز بازی فرانسه و سوئیس که به صدادرآمدحس همه ما این بود که بازی چند ساعت قبل، یک چرقه و اتفاق خاص بوده و باید فراموشش کنیم. سوئیس عملاً در برابر فرانسه فوق ستاره هایش شانس نداشت. اما گل اول را زد و حتی یک پنالتی گرفت که از آن استفاده نکرد. پنالتی هدر رفته سوئیس باعث شد فرانسه به بازی برگردد و توسط کریم بنزما دو گل پشت سر هم بزند. سوئیس در تلاش بود به بازی برگردد اما گل شگفت انگیز پل پوگبا کاملاً کار سوئیس را تمام کرد. فوتبال قرار نیست چیزی شبیه کلاس ریاضی باشد که بگویم دو دو تا می شود چهار تا! فرانسه با دو هافبک دفاعی استثنایی و خط حمله آتشین خود در دقایق پایانی غافل گیر شد. بازیکنان تعویضی ولادیمیریتکوویچ، سرمربی تیم ملی سوئیس هر چند به سرشناسی بازیکنان فرانسوی نبودند اما در چند دقیقه از تیمی که بازی را باخته بود، یک تیم جنگنده و پر امید ساختند. خب حتی در فیلم های هالیوودی هم نباید انتظار دو نقطه عطف را داشت اما معجزه رخ داد و سوئیس هم مثل کرواسی در دقایق پایانی به بازی بازگشت. شاید خیلی از هواداران فوتبال از کامیک سوئیس خوشحال بودند چرا که تصورشان پیروزی قطعی فرانسه در وقت اضافه یا پنالتی بود و بازگشت سوئیس فقط باعث طولانی تر شدن این بازی حساس می شد. به خصوص این که هوگو لوریس دروازه بان باتجربه فرانسه که تجربه قهرمانی یورو و جام جهانی را هم در کارنامه دارد، در جریان بازی یک پنالتی را باواکنشی عجیب گرفته بود. اما سوئیس نترسید و جنگید. گرانت زاکا کاپیتان پرشور سوئیس که به خوبی هیجان و غرور را با زبان بدن به تیمش منتقل می کرد؛ یک نفره مقابل پوگبا و کاتنه در میانه میدان ایستادگی کرد و کار به پنالتی رسید. سوئیس با بدون ترس از نام حریف با خونسردی پنالتی ها را به فنی ترین شکل ممکن زدند و نوبت رسید به پنالتی آخر فرانسه که امپا به آن را دست داد.

فوتبال

پر شور مثل زندگی

پیچیده مثل سرنوشت

دوشنبه شب، دنیای فوتبال یک شب به یادماندنی را تجربه کرد؛ زمانی

که فوتبال بیش از هر وقتی شبیه زندگی بود، پر از هیجان

غافلگیری و درس های مهم



اسپانیا و کرواسی، فرانسه و سوئیس. دو مسابقه ای که دنیای فوتبال را تکان داد، لبریز از هیجان، پر از تکیو، سرشار از اتفاق های جالب و درس های مهم. فوتبال مثل زندگی است چون آدم های زیادی درگیرش هستند، مثل زندگی است چون در یک لحظه از عرش به فرش می رسی و تمام برنامه هایت خراب می شود و مثل زندگی است چون با تکیو و تلاش می توانی از فرش به عرش برسی و ناگامی را تبدیل به موفقیت کنی. فوتبال مثل زندگی است چون قهرمان و ضدقهرمان دارد؛ و حتی گاهی جذاب تر از زندگی روزمره است، مثل فیلم های پیچیده جنایی جایی که در یک لحظه قهرمان به ضدقهرمان تبدیل می شود، مرز افتخار و ناگامی، مرز محبوبیت و تنفر و مرز شادی و غم در فوتبال خیلی خیلی باریک است؛ در یک لحظه از قهرمان یک کشور تبدیل می شوی به کسی که یک ملت را در بهت فرو برده ای. مثل کاری که آن یغل با آمپا به کوه استعداد فرانسوی ها کرد. یک یغل پای ساده که دروازه بان سوئیس راحت آن را مهار کرد تا آمپا پهای که دشام سرمربی خروس ها حتی در خواب هم خیال تعویض کردنش را نداشت تمام رویاهای قهرمانی جام جهانی و پرستاره ترین تیم جام را بر باد بدهد. بارها گفتیم فوتبال عین زندگی است چون برای نسل ها، برای طبقات مختلف اجتماعی و برای اقشار مختلف اقتصادی در یک سطح هیجان ایجاد می کند. مردوزن، دختر و پسر، پولدار و فقیر، روشن فکر و آدمی معمولی از کف جامعه، همه در برابر جادوی فوتبال به یک اندازه تسخیر می شوند. فوتبال شعیده بازی است که حقه هایش را می دانیم اما پیش بینی نمی کنیم چوقتی ما را غافل گیر می کند برای همین با هر شعیده اش به اندازه دفعات قبل غافل گیر می شویم. فوتبال نه جت اسکی است که فقط عده ای آن را تجربه کنند؛ نه رمان فلسفی است که فقط عده کمی آن را بفهمند، نه موسیقی سنتی است که فقط پدر بزرگ ها حوصله اش را داشته باشند، هر کس بخواهد سهم مشخصی از فوتبال دارد در دست به اندازه شور زندگی، به اندازه امید در زندگی و به اندازه تمام رویاهایی که یک نفر می تواند با فوتبال در آن سهمیه باشد یا به وسعت تمام غصه هایی که بعد از هر باخت سهم هواداران می شود. فوتبال عادلانه ترین سرگرمی روزگار ماست که جلوه شگفت انگیزش را دوشنبه شب در دو مسابقه فوتبال جادویی دیدیم. در این پرونده از ارتباط فوتبال و زندگی می گویم. از این که چرا باید از فوتبال درس بگیریم و چگونه؟ یا ما باشد.

قرار نیست تلاش ها همیشه به موفقیت ختم شود

دکتر «احسان رضایی»، داستان نویس، در گفت و گو با ما از شباهت های باور نکر دنی زندگی با اتفاقات

بازی های اسپانیا با کرواسی و فرانسه با سوئیس می گوید

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

🔴 **این ۲ بازی بیشتر از هر زمان دیگری به زندگی شبیه بود**
بازی های دوشب پیش با آن همه اتفاقات هیجان انگیز مثل کامبک ها، گل به خودی، از دست دادن پنالتی ها، گل های فنی و...، بیشتر از هر زمان دیگری به زندگی شبیه بود. مایک سری پدیده هایی داریم که اگر بارها و بارها تکرار شوند، یک نتیجه به ما خواهند داد. مثلاً اگر زیر کتری آب را گرم کنیم، هر تعداد بار که این اتفاق بیفتد، آب دوباره دوباره به جوش خواهد آمد و نتیجه دیگری به دست نخواهد آمد. از آن طرف، یک سری پدیده ها هستند که تکرارشان حتی در دفعه دوم، ممکن است به نتیجه بار اول منجر نشود مثل روابط انسانی، چون چیزهای بسیار زیادی بر کیفیت آن ها تاثیر گذار است. مثلاً شمایک جمله ثابت را هر روز به یک نفر بگویید، واکنش او به این جمله در روزهای متفاوت، یکسان نخواهد بود. یک روز ممکن است حال آن فرد خوب باشد، یک روز نباشد، یک روز قبل از شنیدن آن جمله یک تصادف وحشتناک دیده باشد یا یک خواب خوش و...، دقیقاً بر اساس این همه معیار که بعضی هایش در اختیار آن فرد نیست، واکنش های متفاوتی به آن جمله ثابت خواهد داشت. به همین دلیل است که زندگی دقیقاً شبیه فوتبال، پیش بینی ناپذیر است. البته ما سعی می کنیم تا جای ممکن، فرمولیزه اش کنیم و به الگوهایی برای فهم و بهتر شدن زندگی مان برسیم اما می بینیم که در عمل این اتفاق نمی افتد.

🔴 **شباهت فوتبال و زندگی در غیر قابل پیش بینی بودن شان است**

از افلاطون و ارسطو بگیرد تا فلاسفه امروزی، متفکران، مردان معنوی و... الگوهایی برای زندگی بهتر پیشنهاد می دهند اما چون این مسئله چند عاملی است و این چند عامل، ۴ یا ۵ مورد نیست و عوامل بسیار زیادی در این بین تاثیر دارد بنابراین اگر همه مان به یک روش عمل کنیم، یک جواب ثابت نمی گیریم. فوتبال به همین دلیل خیلی شبیه زندگی است. اگر بازی های دیشب، با همان ترکیب، سیستم، بازیکنان، تماشاگران و... امشب یا فردا شب دوباره تکرار

هیجان فوتبال برای یک بانوی سالمند

فوتبال بهانه ای است تا هر سن و جنس و طبقه اجتماعی را حتی شده برای ۹۰ دقیقه در کنار هم نگه دارد. به همین بهانه با یک بانوی فوتبالی هم صحبت شدیم. سرکار خانم عفت غفارپور که به گفته خودشان بیش از ۶۰ سال است فوتبال بین حرفه ای هستند. خانم غفارپور که همسر استاد امین...، رشیدی، پیشکسوت موسیقی کشور و برخلاف همسر شان، به شدت پیگیر فوتبال و حواشی اش هستند، می گویند: «از نوجوانی با برادرم برای دیدن مسابقه ها به ورزشگاه امجدیه می رفتم. آن زمان نمی شد راحت گفت که یک دختر طرفدار فوتبال است، برای همین یواشکی بازی ها را دنبال می کردم. بعد از ازدواج با استاد هم باز با بچه ها پیگیر بازی ها و نتایج تیم ها بودم. طوری بود که وقتی به مسافرت می رفتم یک رادیو دستی با خودم داشتم و مسابقه ها را دنبال می کردم. بعد که بچه ها بزرگ شدند و استاد هم علاقمای به دیدن فوتبال نداشتند، می گفتم فقط دوشنبه شب هاتلوزین مال من تا بر نامه نوادر ابیبنم که همین راهم حوصله نداشتند و بالاخره در زندگی آدم باید تحمل و ملاحظه کند.» این بانوی فوتبالی ادامه می دهد: «لذت و هیجان دیدن فوتبال خیلی خوشایند است.



پای درس زندگی فوتبال

سید سورنا ساداتی | روزنامه نگار، موفقیت

شاید بگویم فوتبال آن چنان درسی برای زندگی ندار دو این حرف ها توجیهات کسانی است که دوست دارند بقیه را به تماشای فوتبال تشویق کنند. خب شما مروری بر این موارد داشته باشید و بعد نتیجه گیری کنید که فوتبال درسی در دلش هست یا نه؟

🔴 **تترسیدن از خطای مجدد**
اونای سیمون، دروازه بان اسپانیا به شکل مبتدیانهای از کرواسی گل خورد؛ گلی که شاید مشابه اش در بازی های دوستانه داخل کوچه و خیابان هم اتفاق نیفتد اما تا آخر بازی روحیه اش را نباخت و در یک بزنگاه حساس به داد تیمش رسید؛ توبی که او گرفت در برگشت تبدیل به گل برتری تیمش شد. جالب تر این که مدافعان اسپانیایی هم بدون نگرانی در طول بازی به سیمون پاس به عقب می دادند.

🔴 **تلاش تا لحظه آخر**
هم کرواسی هم سوئیس تا لحظه آخر تسلیم نشدند و امیدوارانه بازی کردند. وقتی دست از تلاش برداری شانس هم در کنار توست چون وقتی شانس سراغت بیاید کسی هست که از آن استفاده کند. غرور تیمی! هم اسپانیا و هم فرانسه وقتی ۳ بر یک جلو بودند بازی را تمام شده فرض کردند. البته چیز عجیبی هم نیست، جبران دو گل در فاصله حدود ۱۰ دقیقه مقابل چنین تیم هایی کار راحتی نیست اما همین فرض اشتباه باعث شد در دقایقی بازی را آن چنان که باید جدی نگیرند.



انگار باعث شد عزم آن ها برای جبران جدی تر شود. همین ژاکا چند دقیقه بعد یک توپ بایی عالی از پوگبا داشت و پایه گذار گل سوم سوئیس شد. گلی که اگر یک فیلم نامه نویس می خواست آن را بنویسد شاید به دلیل اغراق زیاد در سرعت انتقال توپ و دریل حریف و نوع شوت، از خیرش می گذشت تا منطق فوتبال زیر سوال نرود اما داستان سوئیس چیزی فراتر از ژانرهای عادی سینمایی بود.

🔴 **جسور بودن**
شاید امثال گریژمان، بنزما، ژیرو، کینگزلی کومان، امپا، پوگبا و کاتنه استعداد های شگفت انگیز و نسل طلایی فوتبال امروز باشند اما جسارت، تلاش و یکدلی و کار تیمی گاهی از هر استعدادی جلومی زند. مربی سوئیس تا لحظه آخر هیجان زده نشد، تعویض های خوبی داشت، در مقابل دشام امپا را که آماده نبود در زمین نگه داشت تا دو موقعیت خوب را خراب کند و در نهایت پنالتی را هم هدر بدهد. برای همین است که گاهی تلاش و کار تیمی جای نداشته های مهمی مثل استعداد را هم می گیرد.



شوند، نتایج دیگری رقم خواهد خورد. کافی است یکی از آن ضربه هایی که به توپ زده شد، شدتش بیشتر یا کمتر می بود که بعدش یا به دروازه نمی رسید یا از بالا یا کنار دروازه بیرون می رفت. اما این به معنی نفی تلاش نیست، به معنی این است که علاوه بر تلاش، چیزهای دیگری هم برای موفقیت لازم است.

🔴 **چرا باید بجنگیم، بجنگیم و دوباره بجنگیم؟**

دیشب یکی از جلوه های زندگی، در فوتبال در بهترین حالت ممکن برای تمام تماشاگران به نمایش در آمد. هر چهار تیم، از جان مایه گذاشتند، تا دقایق آخر جنگیدند، جنگیدند و دوباره جنگیدند. این که سرانجام این تلاش ها مثلاً برای کرواسی به نتیجه مشابه نرسید اما باعث موفقیت سوئیس شد، به این معنا نیست که ما باید تسلیم شویم بلکه باید بگویم که دوباره می جنگیم و می جنگیم و دوباره می جنگیم تا در یکی از این تلاش ها به نتیجه مدنظر برسیم. به نظر من به همین دلیل فوتبال های دیشب این قدر ما را به هیجان آورد. این که دیدید بالاخره در یکی از این تلاش ها، می توان بازی ۳ بر یک باخته را برگرداند، در یکی از همین تلاش ها، می توان قهرمان و نایب قهرمان جهان را حذف کرد و....

🔴 **تلاش و تلاش برای رسیدن به یک موفقیت شگفت انگیز**

این ها ارزشی است که فوتبال از منظر یک داستان نویس برای من دارد تا در یکی از این حالت هایی که مدام می جنگیم به یک موفقیت شگفت انگیز برسیم، ما مثل سوئیس در بازی اخیرش همه آن بارها را می جنگیم تا به این یک دفعه موفقیت برسیم. درس دیگر این که همه تلاش های ما همیشه به نتیجه نمی رسد، این دقیقاً چیزی است که زندگی را زیبا و داستان زندگی را غیر قابل پیش بینی می سازد. اگر نتیجه همه بازی ها از قبل مشخص بود، نتیجه و سرانجام تلاش ما از قبل مشخص بود، دیگر زندگی زیبا نبود. دو بازی دوشنبه شب، بارها بارها نشان داد که نتیجه تلاش همیشه یکسان نیست، کرواسی در قدم های آخر کم آورد و به خانه برگشت اما سوئیس، فرانسه را به خانه برگرداند، در صورتی که هر دو تیم تلاش زیادی کردند.

یک سرگرمی است که آدم سیر نمی شود. از همان نوجوانی از ورزشگاه تا خانه شعار می دادیم تا این سال ها که مسابقه ها را دنبال می کنیم. من با دو بچه ام به ورزشگاه می رفتم و بعد گفتند جوور زشگاه ها خوب نیست و دیگر نرفتم، خانم غفارپور که این روزها به خاطر کرونا، حاشیه هایی که در تیم ها و فدراسیون به وجود آمده و به قول خودش بد اخلاقی هایی که در بخشی از جامعه فوتبالی دیده می شود، دل و دماغ دیدن مسابقات را ندارد، ادامه می دهد: «در جوانی همسایه علی پروین و مرحوم حجازی بودیم و داریم درباره فوتبال با این دو نفر بحث می کردیم. با این که خودم استقلال هستم ولی با همه فوتبالیست ها دوست هستم و به آقای پروین علاقه دارم از فوت این دو جوان فوتبالیست بر اثر کرونا (مرحوم نصاریان و میناوند) هم به شدت ناراحت شدم. الان هم خوشحالم که تیم پر تقال از جام ملت های اروپا حذف شدند و روزنالدو نتوانسته ر کور دلی دایی را بشکند.»

